



**Interdisciplinary Legal Research**

Jun 2024, 5(4): 49-62

Available online on: [www.ilrjournal.ir](http://www.ilrjournal.ir)

e-ISSN:2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

## Futures Studies in Criminal Law Through the Lens of Islamic Jurisprudence

Maryam Azhdari Kousha\*<sup>1</sup>  Mohammad Ali Hajidehabadi<sup>2</sup>

**Received:**

16 Sep 2024

**Revised:**

19 Nov 2024

**Accepted:**

24 Nov 2024

**Available Online:**

22 Dec 2024

**Abstract**

**Background and Aim:** Futures studies, as a novel and interdisciplinary field of study, is rapidly developing with the aim of examining potential future trends and providing possible perspectives. By utilizing various scientific and analytical methods, this field strives to provide a clear picture of the future in different domains. Meanwhile, despite the abundant emphasis of the Islamic religion on the importance of foresight and planning for the future, the field of Islamic futures studies has not received the attention and development it deserves.

**Materials and Methods:** The present research, using a descriptive-analytical method, seeks to identify the most efficient jurisprudential interpretation of the Islamic religion for shaping a coherent framework for futures studies in criminal law based on Islamic principles, while examining and analyzing various jurisprudential readings of credible Islamic sources.

**Ethical Considerations:** All ethical principles were adhered to during the writing process of this research.

**Findings and Conclusion:** Although the rich Islamic teachings, especially the Holy Quran and the tradition of the Prophet Muhammad (PBUH) and the Imams (AS), are full of references to the future, the fate of societies, and the necessity of preparing for it, the absence of a coherent theoretical framework is felt in this regard. Futures studies of Islamic criminal law, based on different readings of religious texts and jurisprudential sources, takes on various dimensions that affect the efficiency or inefficiency of religious teachings in the study of the future. This diversity in attitudes and perceptions reveals the necessity of carefully examining and analyzing the capacities of each of these readings in the development of futures studies of Islamic criminal law.

**Keywords:**

Criminal Law  
Futures Studies,  
Jurisprudence  
(Fiqh),  
Interdisciplinary  
Studies,  
Literalists,  
Purposivists  
(Maqasid-  
oriented).

**1\* Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, University of Qom, Qom, Iran.**

**(Corresponding Author)**

Email: [m.azhdarikousha@gmail.com](mailto:m.azhdarikousha@gmail.com)

Phone: +982532103000

**1\* Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Qom, Qom, Iran.**

**Please Cite This Article As:** Azhdari Kousha, M & Hajidehabadi, MA (2024). "Futures Studies in Criminal Law Through the Lens of Islamic Jurisprudence". *Interdisciplinary Legal Research*, 5 (4): 49-62.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

## آینده‌پژوهی در حقوق کیفری در پرتو خوانش‌های فقهی

مریم اژدری کوشا<sup>۱\*</sup>، محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: m.azhdarikousha@gmail.com

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

### چکیده

**زمینه و هدف:** آینده‌پژوهی به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی نوین و میان‌رشته‌ای، با هدف بررسی روندهای احتمالی آینده و ارائه چشم‌اندازهای ممکن، به سرعت در حال توسعه است. این رشته با بهره‌گیری از روش‌های علمی و تحلیلی گوناگون، تلاش می‌کند تا تصویری روشن از آینده در حوزه‌های مختلف ارائه دهد. در این میان، با وجود تأکیدات فراوان دین مبین اسلام بر اهمیت آینده‌اندیشی و برنامه‌ریزی برای آن، حوزه آینده‌پژوهی اسلامی آن‌گونه که شایسته است، مورد توجه و توسعه قرار نگرفته است.

**مواد و روش‌ها:** پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ضمن بررسی و تحلیل خوانش‌های مختلف فقهی از منابع معتبر اسلامی، به دنبال شناسایی کارآمدترین خوانش فقهی از دین اسلام جهت شکل‌دهی به یک چارچوب منسجم برای آینده‌پژوهی در حقوق کیفری مبتنی بر موازین اسلامی است.

**ملاحظات اخلاقی:** کلیه اصول اخلاقی حاکم در پژوهش، در نگارش این مقاله رعایت شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** اگرچه آموزه‌های غنی اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، سرشار از اشاراتی به آینده، سرنوشت جوامع، و لزوم آمادگی برای آن است، خلاً یک چارچوب نظری منسجم در این زمینه احساس می‌شود. آینده‌پژوهی حقوق کیفری اسلامی، بر اساس خوانش‌های مختلف از متون دینی و منابع فقهی، ابعاد گوناگونی به خود می‌گیرد که بر کارآمدی و یا عدم کارآمدی آموزه‌های دین در باب مطالعه آینده اثر گذار است. این تنوع در نگرش‌ها و برداشت‌ها، ضرورت بررسی و تحلیل دقیق ظرفیت‌های هر یک از این خوانش‌ها را در توسعه آینده‌پژوهی حقوق کیفری اسلامی آشکار می‌سازد.

**کلمات کلیدی:** آینده‌پژوهی حقوق کیفری، فقه، مطالعات میان‌رشته‌ای، لفظ‌گرایان، مقاصدگرایان.

## مقدمه

آینده‌پژوهی اسلامی را نشان می‌دهد لذا بایستی فقه آینده مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

## ۱- بیان مسأله

آینده‌پژوهی دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده به شیوه‌ای آگاهانه، فعالانه و پیش‌دستانه است؛ دانشی که می‌تواند رویاها، آرزوها و آرمان‌های یک فرد، سازمان یا یک ملت را برآورده کند (زالی، ۱۳۹۲: ۲۲).

فقه آینده یعنی فقهی که به آینده نگاه دارد و در پی پاسخ‌گویی به موضوعاتی است که در آینده رخ می‌دهد و یا در پی پاسخ‌گویی به موضوعات کنونی است که به صورت سیال حاضر و آینده را به عنوان ظرف حضور خودشان قرار داده‌اند. این‌ها موضوعاتی هستند که تمام محورهای آن هنوز محقق نشده و بخشی از آن در آینده تحقق می‌یابد. هر چه زمانه به جلوتر می‌رود و پیچیدگی‌ها بیشتر می‌شود، این سنخ از موضوعات بیشتر پدید می‌آیند و فقه با آنها مواجه می‌شود (کرمی و کشاورزی، ۱۳۹۳: ۸۱). لذا این تعریف از آینده‌پژوهی فقه و حقوق اسلامی پیشنهاد شده است:

آینده‌پژوهی که با عناوین مختلفی نظیر آینده‌نگری و آینده‌اندیشی نیز شناخته می‌شود یکی از توصیه‌های مهم در آموزه‌های اسلام است که می‌تواند چهارچوبی برای سبک زندگی اسلامی و نقشه راهی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باشد. دین اسلام علاوه بر نوید آینده روشن، همواره پیروان خود را به رعایت برخی امور برای ایجاد جامعه مطلوب در هر عصر و زمانی دعوت کرده است. جامعه اسلامی همواره باید بکوشد تا حرکتش حرکت تکاملی و رو به رشد بوده و همواره نوعی آینده‌نگری دینی را مد نظر قرار دهد. در مهم‌ترین منابع دینی مسلمانان بارها به بینش وسیع دورنما، و آینده‌نگر اشاره شده است و قرآن در همه حال از ما می‌خواهد که از زمان حال به نحو احسن استفاده کنیم و با کمال دقت و هوشمندی برای آینده مهیا شویم.<sup>۱</sup>

«آینده‌پژوهی فقه و حقوق اسلامی؛ یعنی پرداختن به احکام تکلیفی، وضعی و حقوق شخص مکلف در آینده که در متون فقهی و قوانین موضوعه امروز مطرح نشده و یا این که به طور بایسته و شایسته تبیین نشده است و می‌تواند با انعکاس در قوانین و مقررات فردا در تحقق تمدن نوین اسلامی و آینده مطلوب بر اساس ارزش‌های بنیادین آینده‌پژوهی هنجاری در اسلام لازم و مؤثر واقع شود.» (پیرمردیان و باقری، ۱۴۰۰: ۱۱۲)

آینده‌پژوهان، آینده‌پژوهی را دانشی ارزش بنیان می‌دانند، به همین سبب آینده‌پژوهی ارتباط تنگاتنگ و ناگسستگی با جهان بینی، ایدئولوژی و فرهنگ ملت‌ها دارد. بر این پایه کاریست و استقرار آینده‌پژوهی، نیازمند بهره‌گیری از نسخه بومی شده آن است؛ یعنی ملتی یا سازمانی که دانش کشف و مهندسی آینده را از دیگران تقلید کند راه خطا در پیش گرفته و آینده خود را بر پایه ارزش‌های دیگران توصیف کرده است و یا خواهد ساخت. دانش ارزش بنیان آینده‌پژوهی معتقد است در فرایند خلق و تصویر پردازی آینده مطلوب، ارزش‌های حاکم بر جامعه نقشی انکار ناپذیر دارد به گونه‌ای که آینده از دید جوامع گوناگون می‌تواند به شیوه‌های متفاوت ترسیم شود (پدرام و جلالی‌وند، ۱۳۹۲: ۸). بر این اساس در ترسیم آینده بایستی از ارزش‌های جامعه غافل بود و این موضوع اهمیت و ضرورت

بر این اساس اندیشمندی در جهان اسلام همچون ضیاء الدین سردار، اکرم اعظم پاکستانی و مهدی المندجرا مراکشی سعی کرده‌اند آینده‌پژوهی اسلامی را شکل دهند. این نکته این باور را در ما تقویت می‌کند که قادر خواهیم بود در حوزه آینده‌پژوهی الگوی بومی داشته باشیم. بر این اساس در پژوهش حاضر با توجه به خوانش‌های فقهی از دین اسلام به دنبال ترسیم ابعاد آینده‌پژوهی اسلامی هستیم و پرسش پژوهش معطوف بر کارآمدی و ظرفیت‌سنجی هر کدام از خوانش‌های فقهی بر ترسیم فقه آینده و به طور ویژه در عرصه حقوق کیفری است فرض آن است که خوانش‌های مبتنی بر توجه به مقتضیات

<sup>۱</sup> - به عنوان نمونه می‌توان به آیه ۱۸ سوره حشر و آیه ۷۵ سوره حجر اشاره کرد.

زمان و مکان و فقه مبتنی بر مصلحت بستر مناسبی برای فقه آینده فراهم می‌آورد.

**۲- روش و سامان دهی پژوهش:** در این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای ابتدا خوانش‌های مختلف فقهی رصد شد، سپس این خوانش‌ها دسته بندی گردید و براساس دسته بندی مشخص ظرفیت هر کدام در ترسیم بستر مناسب فقه آینده و کارآمدی آن تجزیه و تحلیل شد لذا با روشی توصیفی و تحلیلی مطالب این پژوهش در سه قسم سامان دهی می‌شود به طوری که در قسمت اول خوانش‌های دینی- فقهی و امکان سنجی آن نسبت به فقه آینده بررسی شد. سپس در قسمت دوم با توجه به اهمیت عامل مقتضیات زمان و مکان در فقه آینده خوانش‌های فقها با ملاحظه این عامل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در قسمت آخر چگونگی اثرگذاری عامل زمان و مکان بر آینده پژوهی حقوق کیفری اسلامی و کارآمدی آن مورد توجه قرار گرفت.

**۳- پیشینه پژوهش:** اگرچه حوزه آینده پژوهی اسلامی حوزه‌ای نوپا است و در این زمینه کار تحقیقاتی آنچنان که شایسته و بایسته است صورت نگرفته است اما در داخل و خارج از کشور طرح‌ها و مقالات تحقیقاتی با مطمح نظر قرار دادن این موضوع به رشته تحریر درآمده است به عنوان نمونه می‌توان به رساله دکتری «آینده پژوهی در اندیشه اسلامی و غربی معاصر: مطالعه انتقادی از آثار ضیاءالدین سردار، مهدی المندجرا، آلون تافلر و دنیل بل» که توسط وان فریزا الیاتی وان زکریا در دانشگاه بیرمنگام انگلستان در سال ۲۰۱۰ دفاع شده است اشاره کرد. در این رساله تلاش شده است دیدگاه دو چهره سرشناس مسلمان در عرصه آینده پژوهی با دو نویسنده غربی آینده پژوه مقایسه گردد و وجوه تشابه و تفاوت این دیدگاه‌ها بیان شود. در مقاله «امکان پذیری و چگونگی تحقق آینده پژوهی اسلامی» نوشته محمد رحیم عیوضی و عبدالرحیم پدram علاوه بر اینکه امکان سنجی طرح بحث آینده پژوهی اسلامی ممکن دانسته شده توصیه می‌شود آینده پژوهان مسلمان از توجه به دستاوردهای آینده پژوهی سکولار با همه ضعف‌هایی که دارد غافل نشوند و تلاش کنند تا از این رهگذر چشم اندازی متناسب با جامعه اسلامی ترسیم نمایند. در مقاله «ضرورت

آینده پژوهی در فقه اسلامی» نوشته رضا علی کرمی و محمد کشاورزی نیز علاوه بر اهمیت توجه به فقه آینده تلاش شده است تا تأثیر عنصر آینده پژوهی در فقه را با ذکر نمونه‌هایی بیان دارد.

**۴- نوآوری پژوهش:** با وجود مطالعاتی که در عرصه آینده پژوهی اسلامی شکل گرفته است می‌توان عدم توجه به خوانش‌های مختلف از دین و فقه را در پژوهش‌های صورت گرفته مشاهده نمود این در حالی است که بسته به نگاه و تلقی ما از دین و به تبع از فقه اسلامی جایگاه مطالعات آینده پژوهانه و فقه آینده متفاوت خواهد بود و کارآمدی فقه در عرصه تحولات آینده مبتنی بر نگرشی است که از دین و فقه ارائه می‌گردد که در این پژوهش تلاش شده است به صورت مفصل مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر آن در تحقیقات صورت گرفته صرفاً به آینده پژوهی اسلامی به عنوان یک موضوع کلی توجه شده است و این تحقیقات از منظر مطالعات حقوقی کیفری اسلامی مورد توجه محققان نبوده است که در این تحقیق به مسائل حقوقی کیفری نیز توجه خواهد شد.

## بحث و نظر

### ۱- خوانش‌های دینی و فقهی و امکان سنجی نسبت آن با فقه آینده

برای اینکه گونه‌های تأثیر عنصر آینده پژوهی در فقه را بتوان بررسی کرد و دیدگاهی متناسب انتخاب نمود لازم است خوانش‌های مختلف از دین و فقه مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص گردد کدام خوانش برای پذیرش تغییرات آینده ظرفیت بیشتری دارد. با مذاقه در نظرات و دیدگاه‌های مختلف دینی- فقهی موجود در ایران به این نتیجه رسیدیم که می‌توان این دیدگاه‌ها را به دو دسته کلی نگرش اقلی به دین و نگرش اکثری به دین و رویکردهای لفظ‌گرایانه و مقاصدگرایانه تقسیم کرد که به ترتیب مورد توجه قرار می‌گیرد.

#### ۱-۱- نگرش حداقلی و حداکثری به دین

به طور کلی دیدگاه‌های مختلف فقهی در باب حدود قلمرو دین را می‌توان به دو دیدگاه عمده تقسیم کرد: نگرش حداقلی و نگرش حداکثری به دین.

به نظر می‌رسد، دیدگاه مورد پذیرش در جمهوری اسلامی ایران، نگرش حداکثری به دین می‌باشد. زیرا تأسیس حکومت دینی جز از طریق تصویری جامع‌گرایانه از دین محقق نخواهد شد. ضمن اینکه بند الف از اصل دوم قانون اساسی صراحتاً مبین این موضوع می‌باشد. این اصل بیان می‌دارد: «جمهوری اسلامی نظامی است: بند الف. مبتنی بر اجتهاد مستمر فقه‌های جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین...» همچنین وجود نهادی به نام شورای نگهبان که بر مصوبات مجلس به لحاظ عدم مخالفت با دستورات شریعت نظارت می‌کند، گویا این مطلب است که دین قلمرو گسترده‌ای دارد و بایستی در وضع قوانین کیفری و مسائل اجتماعی مدنظر قرار گیرد.

#### ۱-۲- رویکرد لفظ‌گرایانه و مقاصدگرایانه به متون دینی

همانطور که در بحث گذشته اشاره شد، دیدگاه منتخب در حوزه قلمرو دین در جمهوری اسلامی ایران نگرش حداکثری به دین می‌باشد. در بطن این دیدگاه نیز، ما با دو رویکرد متفاوت از متون دینی مواجه هستیم، که بایستی در باب بررسی ظرفیت‌های فقه آینده به آن توجه نمود. یک رویکرد، رویکرد اطلاق‌گرایی مبتنی بر ظواهر الفاظ متون شرعی و دیگری برداشت نسبیت‌گرایی معتقد به تأثیر مقتضیات زمان و مکان در احکام شرعی است. از این دو رویکرد با تعابیر مختلفی نظیر مکتب اخباری‌گری و مکتب اصولی‌گری، گرایش‌های لفظ‌گرایانه و مقاصدگرایانه یاد می‌شود. در برداشت دگماتیک اطلاق‌گرایی مبتنی بر ظواهر الفاظ متون شرعی (که اشاعره اهل حدیث، در میان عامه و اخباریون، در بین شیعه، بدان شناخته می‌شوند) مرجع منحصر به فرد استنباط حکم، ادله لفظیه شرعیه می‌باشند و خارج از مدلولات الفاظ ادله شرعیه، چیزی ملاک و مرجع عمل نمی‌باشد. بنابراین عقل و عرف

بر اساس دیدگاه حداقلی یا انتظار اقلی از دین قلمرو دین در امور اجتماعی، سیاسی و اخلاقی - فقهی به حداقل، تحویل و فرو کاسته می‌شود و شرع در این موارد حداقل لازم را به ما آموخته است نه بیش از آن را. در واقع بینش اقلی خود را در امور آخرتی محدود و منحصر کرده و در امور دنیایی نیز به حداقل لازم بسنده کرده است. در این دیدگاه، نصوص و روایات وارد شده در حوزه مسائل جزایی، اجتماعی و سیاسی موضوعیت ندارند و تنها وسیله‌ای برای بیان مقاصد شریعت، آن هم در دوره‌ای خاص متناسب با شرایط اجتماعی و زمانی آن دوره بوده‌اند. در نتیجه بایستی تمامی روایات و نصوص فقه معاملات را به صورت قضیه‌ای تاریخی تحلیل نمود. این دیدگاه تحت عنوان سکولاریسم<sup>۱</sup> شناخته می‌شود.<sup>۲</sup> اما نظریه دین حداکثری جامع نگر بوده و هر دو امور دنیایی و آخرتی را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، رسالت و جهت‌گیری دعوت انبیا محدود به تأمین سعادت آخرتی انسان نیست و نیازمندی‌های بشر در عرصه اجتماع، سیاست و تعلیم و تربیت را نیز در بر می‌گیرد (عباسی، ۱۳۸۴: ۱۳۴). سید حسین نصر این چنین جامعیت دین را بیان می‌دارد: «اسلام همانا نفس زندگی است ... که در برگیرنده همه جهات و جوانب زندگی انسان است و هیچ امری خارج از حوزه شمول و اطلاق آن نماند.» (نصر، ۱۳۸۲: ۲۲)

پیدا است اگر جامعه‌ای اسلامی با قرائت اقلی از دین قابل تصور باشد، تحولات محتمل آینده بیشترین تأثیر را بر فقه خواهند گذارد زیرا گزاره‌های دین به عبادات محدود شده است و در حوزه معاملات و مسائل اجتماعی و حقوقی بایستی از دستاوردهای نوین بشری استفاده نمود. در نتیجه حوزه دیانت و فقه از ثبات برخوردار نخواهد بود و در اثر تحولات آینده مدام تغییر خواهد کرد.

۱- سکولاریزم (secularism) از جمله لغاتی است که ترجمه آن در کشورهای اسلامی با مشکل همراه بوده است. در فارسی آن را با استفاده از چند لغت به «جدایی دین از سیاست» یا جدا شدن دین از دنیا، «دنیوی کردن»، «اعتقاد به اصالت امور دنیایی»، «غیر دین‌گرایی» ترجمه کرده‌اند. علت دشواری نیز این است که مفاهیم کلیدی و محوری هر فرهنگ و تمدن به دلیل بار معنایی بیگانه به سهولت قابل انتقال و قابل ترجمه در حوزه‌های فرهنگی رقیب نمی‌باشد.

۲- ر.ک به مجتهد شبستری، محمد، نقدی بر قرائت رسمی از دین، ص ۱۷۴-۱۷۶ و سعید پور، عادل، مسدود بودن باب اجتهاد ماهنامه کیهان، ش ۴۹، ص ۳۴ و سروش، عبدالکریم، بسط تجربه نبوی، ص ۱۱۰

بشری فاقد هرگونه ارزش و اعتباری برای تشخیص باید و نباید می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۳: ۸۹).

اگر جامعه‌ای چنین رویکردی را اتخاذ نماید، زمینه برای تأثیر تحولات آینده بر نصوص شرعی کاملاً بسته خواهد بود؛ و در چنین مواردی این جامعه است که بایستی خود را با بایدها و نبایدهای شریعت هماهنگ سازد. در مقابل برداشت نسبیت‌گرای معتقد به تأثیر مقتضیات زمان و مکان در احکام شرعی و قائل به دخالت «عقل» در فهم متون دینی و در استنباط حکم خدا در کنار پذیرش منبع وحیانی (کتاب و سنت) به‌عنوان منبع اصلی، عقل و تمیز بشری نیز به‌طور مستقل (در قلمرو مستقلات عقلیه و در چهارچوب قول به حسن و قبح ذاتی افعال) یا به‌صورت دخالت در فهم متون دینی و تشخیص مقتضیات زمان و مکان، منبع دیگری برای هنجارنگاری (استنباط احکام) تلقی می‌شود (حسینی، ۱۳۸۳: ۸۹).

لازم به ذکر است، اگر سخن از مقتضیات زمان بر احکام شرع می‌رود، یا درباره جایگاه مقاصد و اهداف شرع در فقه آینده به تحقیق پرداخته می‌شود، این به هیچ وجه به معنای نقص و ناتوانی شرع از پاسخگویی به نیازهای نوین بشری و جستجوی منابعی برای جبران آن از امور خارجی نخواهد بود. بلکه در رهیافتی کاملاً متضاد، اثبات ظرفیتی بزرگ و بی‌انتهای برای شرع است. سخن این است که شارع مقدس با اختصاص جایگاه ویژه‌ای برای عقل<sup>۱</sup>، وتشویق و تحریص خداپاوران به بهره‌برداری از آن در سلوک توحیدی و سرزنش کسانی که تعقل نمی‌کنند (انفال/۲۳) و با تعیین و تبیین مصالح و اهداف مورد نظر خویش، انعطافی خارق‌العاده در شرع ایجاد نموده است که می‌تواند با گذر زمان و تحولات عمیق روز آمد شده و گرفتار اندراس و کهنگی نگردد. سخن از بهره‌گرفتن از ظرفیت درونی شرع برای تطبیق احکام آن با شرایط متفاوت زمانی جامعه بشری است و نه افزودن چیزی به آن از بیرون برای جبران کاستی.

۲- خوانش‌های فقها نسبت به عامل مقتضیات زمان و مکان بررسی اقوال فقها و دین پژوهان در این خصوص ما را به سه دسته نگرش در باب توجه به عامل مقتضیات زمان و مکان سوق داد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲-۱- قائلین به عدم تأثیر زمان و مکان

برخی از فقها هیچ گونه نقشی برای زمان قائل نیستند و قائل به عدم تأثیر زمان بر احکام اسلام می‌باشند. یکی از این فقها بیان می‌دارد که احکام الهی مصون از تغییر هستند و انسان حق ندارد در آن تغییراتی ایجاد نماید. زیرا اولاً احکام اسلامی جاودانه‌اند و نسخ و تغییر در آن راه ندارد و ثانیاً هیچ کس جز خداوند حق تشریح و قانون‌گذاری ندارد، چه رسد به این که بخواهد در آن تغییر ایجاد کند. حتی ایشان معتقدند که اگر چه احکام حکومتی قابل تغییرند، اما احکام حکومتی رسول خدا به خاطر قداستی که دارد نباید تغییر داده شود (صافی، بی‌تا: ۲۲).

این دسته از فقها معتقدند که قوانین اسلام ثابت و لایتغیر می‌باشد و این بر عهده جامعه است که برای پذیرش این نظام جزایی در خود تغییر ایجاد کند. یعنی تحولات آینده هیچ گونه تأثیری بر قوانین شریعت ندارد. نتیجه چنین برداشتی از دین جز این نمی‌باشد که دین اسلام یک دین متحجر و مخصوص دوران صدر اسلام معرفی گردد و بسیار از احکام و قوانین آن در عصر حاضر قابل اجرا نباشد و حتی متروک گردد. همانطور که ملاحظه می‌شود این دیدگاه در واقع، همان تمسک مطلق بر ظواهر الفاظ متون شرعی و دیدگاه اخباری‌گری است که قبلاً به آن اشاره شد.

### ۲-۲- قائلین به تأثیرگذاری مطلق زمان بر احکام اسلام

عده‌ای از دانشمندان و صاحب‌نظران قائل به تأثیر زمان بر احکام اسلام بدون هیچ محدودیتی هستند. حقوق دانان عرفی مسلمان قلمرو فقه اسلامی را به عبادات و تا اندازه‌ای احوال شخصیه منحصر می‌کنند (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۳) و به‌طور افراطی خواهان عرفی شدن مسائل اجتماعی و فقه معاملات در اسلام هستند و با این ادعا که مسائل اجتماعی و فقه معاملات و

<sup>۱</sup> - در متون دینی عقل حجت باطنی خداوند دانسته شده، در کنار انبیا و ائمه که حجت ظاهری‌اند. (مجلسی، ۱۳۷/۱)

### ۳-۱- زمان و دگرگونی در موضوعات و مصادیق

فقها موضوع را تقریباً در همان معنای منطقی آن به کار گرفته‌اند و در تعریف آن آورده‌اند که موضوع آن چیزی است که حکم بر آن مترتب شده است (محقق نائینی، بی تا: ۳۸۹). می‌توان گفت که موضوع حکم، مجموع اموری است که در فعلیت یافتن حکم دخالت دارند و تا آن امور به وجود نیاید، حکم فعلیت نمی‌یابد. همچنین موضوع همواره نسبت به حکم مقدم است. در واقع موضوع برای حکم به منزله جوهر برای عرض است و تا موضوع وجود نداشته باشد، صدور حکم محال است. اکثر فقها و صاحب نظران معتقدند که با تغییر در موضوع، حکم نیز به طبع آن تغییر می‌کند و این یک امر مسلم است. شهید اول در این مورد می‌فرماید: **يجوز تغيير الاحكام بتغيير العادات** (عاملی، بی تا: ۱۵۲).

اما تغییر موضوع، گاه دگرگونی در ذات و ماهیت موضوع است و گاه در قیود و صفات آن. همچنین ممکن است، موضوع جدیدی پدید آید و یا توسعه و تضییق در مصادیق موضوعات به وجود آید.

### ۳-۱-۱- تغییر در ماهیت موضوع

مراد از تغییر در ماهیت موضوع که به آن تغییر درونی موضوع نیز می‌گویند این است که خصوصیات خود موضوع، صرف نظر از احکام و روابطی که با سایر اشیاء دارد و همچنین قیود و شرایط آن تماماً تغییر می‌یابد و از نظر عرفی نوعی تغییر ماهوی در آن پدید می‌آید. برخی از صاحب نظران در خصوص حکم ضمان عاقله چنین نظری دارند. آنان معتقدند عاقله که در روایات موضوع حکم واقع شده، اشخاصی هستند که به صورت توافقی با هم میثاق بسته‌اند که چنانچه قتلی به صورت خطایی واقع گردد آنها به‌طور گروهی دیه آن را بپردازند. بنابراین در جوامع امروز که ساختار آنها متفاوت است و هنجارهای اجتماعی تغییر کرده و نظام قبیله‌ای و قراردادی خاص در میان مردم در خصوص پرداخت خسارت وجود ندارد، ضمان عاقله نیز منتفی است و اشخاص خود باید تاوان جنایتشان را بپردازند (شفیعی، ۱۳۷۶: ۳۸۱).

مسائل حقوق کیفری که در شرع بیان شده است با مقتضیات زمان و مکان سازگاری ندارد، خواهان کنار گذاشتن شریعت در این گونه موارد هستند. این نگاه نیز در حقیقت بازگشتی به نگرش حداقلی از دین می‌باشد.

شهید مطهری این دو جریان متضاد را که از صدر اسلام وجود داشته چنین تبیین می‌کند: «در مسأله انطباق با مقتضیات زمان دو جریان مخالف که هر دو غلط بوده است در تاریخ اسلام همواره وجود داشته، یکی جریان افراطی یعنی دخل و تصرف‌های بی جا در دستوره‌های دینی به واسطه خیالات و ملاحظات کوچک که ما اسم آنها را جهالت می‌گذاریم. جریان دیگر، توقف و جمود بیجایی است که بر خلاف منظور و روح اسلام است. این جمودها، از ناحیه دوستان محتاط بوده است، ولی احتیاطاتی که صد در صد به ضرر اسلام تمام شده است. احتیاطی بچه گانه و کودکانه بوده است.» (مطهری، ۱۳۸۷: ۵۶)

### ۳-۲- دیدگاه میانه

در میان دو دیدگاه افراطی و محتاط، گروه سومی هم وجود دارند که سعی در جمع نمودن شریعت و مقتضیات زمان داشته و معتقدند که شریعت اسلام به گونه‌ای تدوین گردیده است که امکان پاسخ گویی به نیازهای زمان را به همراه خود دارد، یعنی هم می‌توان ملتزم و معتقد به نظام قانون گذاری اسلام بود و هم با مقتضیات زمان هماهنگ شد. این دیدگاه از جنبه‌های مختلف مکانسیم تأثیرگذاری عامل زمان و مکان بر آینده‌پژوهی اسلامی را شرح می‌دهد که در قسمت بعدی مورد توجه قرار می‌گیرد.

### ۳- چگونگی اثر گذاری عامل زمان و مکان بر آینده‌پژوهی حقوق کیفری مبتنی بر موازین اسلامی

پس از آشنایی با دیدگاه‌های مختلف در باب تأثیر مقتضیات زمان و مکان، آنچه ضروری به نظر می‌رسد ارائه مکانیزم‌های انطباق با زمان یعنی چگونگی اثرگذاری زمان بر احکام اسلام می‌باشد. این مکانیزم‌ها به پنج دسته کلی تقسیم می‌شوند که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

**۳-۱-۲- دگرگونی در قیود و صفات موضوع**

گاهی موضوع دارای قیود و صفات خاصی است که در زمان‌های مختلف تغییر می‌یابند و با تغییر در یکی از این قیود، در حقیقت موضوع حکم تغییر یافته و در نتیجه حکم دگرگون می‌شود. مثلاً در خصوص سرقت حدی قیود و شرایط بسیاری باید وجود داشته باشد تا بتوان حد را در مورد سارق اجرا کرد.<sup>۱</sup>

برخی از نویسندگان معتقدند که فلسفه وضع هر کیفری توسط شارع جزو قیود و شرایط موضوع است، زیرا موضوع عبارت است از تمام حدود و قیود و شرایط فعلیت حکم، و هدف از وضع احکام شریعت اسلام، تأمین سعادت بشر و رساندن مردم به کمال شایسته انسان است؛ پس هرگاه مجتهد یا ولی فقیه احراز کند که اجرای حکمی از احکام اسلام علاوه بر این که به تأمین سعادت بشر و تکمیل آنها مساعدتی نمی‌کند بلکه سلوک آنها را به سوی خداوند دشوار نموده و موجبات انحراف و دوری آنها را از مسیر و طریق سیر الی الله فراهم می‌آورد، می‌تواند به این نتیجه برسد که موضوع حکم در اثر تغییر شرایط زمان متحول و دگرگون گردیده است؛ بنابراین به دلیل تغییر موضوع می‌بایست حکم نیز متناسب با موضوع تغییر کند.

**۳-۱-۳- تغییر در ملاک موضوع**

گاهی موضوع حسب ظاهر ذاتاً و وصفاً هیچ گونه تغییری نمی‌کند. در عین حال غیر از موضوع قبلی محسوب می‌شود. زیرا ملاک آن تغییر کرده است. مثلاً شطرنج یا مجسمه سازی در زمان فعلی فرقی با سابق ندارد، در عین حال ملاک و کاربرد آن با سابق فرق کرده است. همچنین است خرید و فروش خون و یا تشریح بدن میت مسلمان که به دلیل داشتن غرض عقابایی در زمان فعلی جایز می‌باشد.

**۳-۱-۴- پیدایش موضوعات جدید**

گاهی ممکن است موضوعات جدیدی وارد عرصه زندگی شود. متاورس، هوش مصنوعی، جرایم سازمان یافته، مواد مخدر، مالکیت فکری در این گونه موارد با استفاده از عموماً و اطلاعات آیات و روایات و یا احکام حکومتی و بنای عقلا و یا دارا بودن ملاک مصلحت یا مفسده و کشف آن توسط علم

و عقل بشر (عقل نظری) می‌توان گزاره فقهی متناسب استخراج کرد (دهقان، ۱۳۷۶: ۲۰۱-۲۰۴).

**۳-۱-۵- توسعه و تضییق مصادیق**

احکام شرع به صورت قضایای حقیقی مطرح گردیده‌اند و شامل افراد و مصادیق موجود در زمان خطاب و مصادیق مفروض می‌گردند. یکی از تأثیرات مهم تحول آینده، دگرگونی در مصادیق موضوعات احکام است. به عنوان مثال گذشت زمان و شرایط جدید زندگی، مسائل جدیدی را در قلمرو مصادیق موضوع قرار می‌دهد. مثلاً مسأله اختکار در زمان سابق به موارد خاص اختصاص داشته و شامل ارزاق عمومی مانند برنج و گندم و مانند آن می‌شد، در حالی که اکنون دارو، لوازم خانگی، مصالح ساختمانی و مانند آن نیز وارد نیازمندی‌های زندگی شده‌اند. اگرچه برخی با جمود بر ظاهر روایت حکم اختکار را شامل موارد جدید ندانسته‌اند، لکن بسیاری از فقها با استناد به ملاک اختکار و اختیارات حکومت اسلامی حکم اختکار را شامل موارد یاد شده در بالا و غیر آن نیز دانسته‌اند (محقق داماد، ۱۳۶۲، ۵۵).

**۳-۲- زمان و حکم حکومتی**

احکام حکومتی یکی از انواع احکام می‌باشد که در راستای جاودانگی دین اسلام و هماهنگ نمودن با مقتضیات زمان و تحولات آینده مورد استفاده قرار می‌گیرد. علامه طباطبایی در مورد «حکم حکومتی» چنین می‌گوید: احکام حکومتی تصمیماتی است که ولی امر در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آنها به حسب مصلحت وقت اتخاذ می‌کند و طبق آنها مقرراتی وضع نموده و به اجرا در می‌آورد (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۸۷/۱).

بنابر این تعریف یکی از پایه‌های اصلی احکام حکومتی مصلحت می‌باشد که ولی امر براساس آن اقدام به اتخاذ تصمیم و صدور حکم حکومتی می‌نماید. همچنین دکتر گرجی در خصوص تعریف حکم حکومتی این چنین بیان می‌دارد: حکم حکومتی حکمی است که ولی جامعه بر مبنای ضوابط پیش‌بینی شده، طبق مصالح عمومی برای حفظ سلامت جامعه، تنظیم

<sup>۱</sup> - ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲



- حکم آن حضرت به تخریب محلی که افراد شرور و بدکار در آن جمع می‌شدند (هندی، بی‌تا: ۴۸۸/۵).

فقها نیز اگرچه غالباً دارای قدرت و حکومت نبوده‌اند، اما در مواردی که ضرورتی را احساس کرده‌اند با تأسی به پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی اقدام به صدور احکام حکومتی نموده‌اند. مواردی همچون حکم میرزای شیرازی به تحریم استعمال تنباکو و توتون در واقعه رژی و حکم امام راحل به محکومیت اعدام سلمان رشدی (خمینی، بی‌تا: ۲۶۸/۲۱) نمونه‌هایی از احکام حکومتی صادره از سوی فقهاست.

از آنجا که صدور احکام حکومتی چه توسط شارع صادر گردد و چه به وسیله حاکم اسلامی اختیاری است که به حاکم برای اداره جامعه داده شده است، او می‌تواند با بهره برداری از این اختیار مقررات مورد نیاز با شرایط روز و با در نظر گرفتن تحولات آینده برای اداره جامعه را وضع نماید.

### ۳-۳- زمان و عرف

یکی از عناصر تشکیل دهنده زمان و مکان عرف می‌باشد. عرف در لغت به مفهوم مستحسن و ضد منکر است. و در اصطلاح روش مستمر قومی است در رفتار و گفتار که آن را عادت و تعامل می‌گویند (لنگرودی، ۱۳۸۸: ۴۴۸/۳).

عرف دارای سه خصیصه می‌باشد: اولاً عمل و رفتاری است که در میان همه یا بخشی از مردم شیوع داشته باشد. ثانیاً غریزی و ناشی از عامل طبیعی نیست، ثالثاً، الزام‌آور نیز باشد (واسعی، ۱۳۸۷: ۱۰).

بدین سان عنصر الزامی بودن، عرف را از آداب و رسوم و عادات جدا می‌کند که صرفاً تشریفاتی است و ارزش حقوقی ندارد.

واژه عرف و معروف در زمینه‌های مسائل حقوقی به‌ویژه حقوق زنان و خانواده، اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی بیش از ۴۰ بار در قرآن تکرار شده است که یکی از آنها آیه ۱۷۸ سوره بقره مربوط به قصاص است (عبدالباقی، ۱۳۶۴: ۴۵۱-۴۵۸).

این آیه معیار عرفی را در نحوه برخورد طرفین دعوا مد نظر قرار داده است و این خود نشان می‌دهد که شارع مقدس اسلام

امور آن، برقراری روابط صحیح بین سازمان‌های دولتی و غیر دولتی با مردم، سازمان‌ها با یکدیگر و افراد با یکدیگر، در مورد مسائل فرهنگی، مالیاتی، نظامی، جنگ، صلح بهداشت، عمران و آبادی طرق و شوارع، اوزان و مقادیر ضرب سکه، تجارت داخلی و خارجی، امور ارزی حقوقی، اقتصادی، سیاسی، نظافت و زیبایی شهرها و سرزمین‌ها و سایر مسائل مقرر داشته است (گرچی، ۱۳۸۶، ۲۸۷/۲).

بنابراین احکام حکومتی اولاً توسط ولی امر جامعه و حاکم مسلمین وضع می‌گردد و ثانیاً بر مبنای مصلحت مسلمین و جامعه اسلامی و اداره امور و حل معضلات آن می‌باشد.

احکام حکومتی چون بنا به مصالح اجتماعی و بر حسب اوضاع و احوال صادر می‌شود، همچنین گاهی ممکن است در تشخیص مصلحت کشف خلاف شود لذا ماهیتاً قابل تغییرند و هرگاه شرایط تغییر کند احکام نیز تغییر پیدا خواهد کرد. بسیاری از دستورات پیامبر (ص) و ائمه هدی که در میان روایات به چشم می‌خورند و چه بسا بر حسب ظاهر با هم اختلاف داشته باشند، دستورات حکومتی بوده و بر حسب شرایط مربوطه صادر شده‌اند. شهید مطهری در این خصوص بیان می‌دارد: «بسیاری از فقها در بررسی نصوص، شخصیت پیامبر یا امام را به‌عنوان فرمانروا و سرپرست نادیده می‌گیرند و در هر جا که از ناحیه پیامبر منعی صادر شود آن را حمل بر ناروا بودن یا حرمت و کراهت می‌کنند، با آنکه چه بسا هیچ کدام از این دو نبوده بلکه به‌عنوان سرپرست حکومت و به خاطر شرایط خاص چنان منعی را صادر فرموده‌اند. در واقع، در مسائل زندگی اجتماعی غالباً دستورات پیامبر حکومتی بوده و باگذشت زمان تغییر می‌کنند.» (مطهری، ۱۳۸۷: ۹۱/۲) چند مورد از احکام حکومتی که توسط پیامبر (ص) یا امام علی (ع) صادر شده‌اند عبارتند از:

- حکم پیامبر به تخریب مسجد ضرار و آتش زدن آن؛

- حکم امیر المؤمنین به عدم اجرای حد در سرزمین دشمنان اسلام به دلیل احتمال فرار و پناهنده شدن فرد محکوم به آنان (حرعاملی، بی‌تا: ۲۴/۲۸).

فرماید: «اما ما ینبعث عن انفعالات طبیعیہ من رقبہ او حمیہ و غیر ذلک فلا موجب لاشتراک الشارع مع العقلاء»

هرگاه بنای عقلا ناشی از احساسات، تعصب یا تحمیلی و غیر اینها باشد، دلیلی ندارد شارع آن را معتبر بداند (غروی اصفهانی، بی‌تا: ۳۲۴/۲).

پس از این که مشخص شد عرف تحت شرایطی در قانون گذاری اسلامی مؤثر است؛ قهراً با تغییر عرف و یا پیدایش عرف و بنای جدید بر اثر تحولات آینده، عقلاً حکم نیز تغییر می‌کند. شهید اول پس از بیان این نکته که ممکن است احکام شرعی با تغییر عرف و عادت تغییر کند می‌نویسد: این که در روایات وارد شده هرگاه زوج و زوجه در پرداخت و عدم پرداخت مهر باهم اختلاف داشتن قول زوج مقدم است این اختصاص به عرف زمان امام دارد که در آن زمان پیش از دخول، مهریه توسط مردم پرداخت می‌شد، اما اکنون که عرف و عادت در پرداخت مهر تغییر کرده دیگر قول زوج مقدم نیست (عاملی، بی‌تا: ۱۵۲/۱).

### ۳-۴- زمان و احکام ثانوی

یکی از راهکارهای اسلام برای تطابق احکام با زمان و به تبع تحولات آینده، وجود احکام ثانوی در شریعت مقدس اسلام می‌باشد. احکام ثانویه احکامی هستند که شارع مقدس اسلام به سبب بروز عواملی مثل عسر و حرج و ضرر و اضطراب و مانند آنها روی موضوع جعل می‌نماید. در حقیقت در مواردی که شارع حکم ثانوی را مقرر می‌دارد امکان عمل به حکم اولیه نمی‌باشد و یا به عبارتی دیگر اگر امکان عمل به آنها نیز باشد هیچ مصلحت و منفعتی که مورد نظر شارع در تشریح حکم اولیه بوده وجود ندارد، بنابراین احکام ثانوی در منطبق نمودن احکام اسلام با نیازها و مقتضیات اعصار در برخی مواقع مفید واقع می‌گردد. به‌عنوان مثال اگر در اجرای حکمی از احکام اسلام هرچند از احکام اولیه باشد، مفسده‌ای باشد با عنایت به این که مفسده نیز یک نوع ضرر است، می‌توان از اجرای حکم اولیه به استناد قاعده لاضرر اجتناب نمود و آن را اجرا نکرد. همچنین اسلام دست متخصصان و کارشناسان دینی را باز گذاشته است که به‌خاطر مصلحت مهمتر از مصلحت کم

ملاک‌های عرفی را نیز در قانون گذاری خود ملحوظ می‌دارد: (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۳: ۱۷۸/۱).

در رابطه با قلمرو عرف و بنای عقلا برخی بر این باورند که عرف تنها در تشخیص موضوعات مؤثر است و دست آن به دامن احکام نمی‌رسد، درحالی که این درست نیست، زیرا ملاحظه آیات و روایات و بررسی احکام شرعی به‌ویژه در معاملات نشان می‌دهد که شارع مقدس در جعل احکام نیز معیارهای عرفی را مورد توجه قرار داده است. وجود احکام امضائیه در مجموع احکام شرعی مؤید این ادعاست و این نیز در حقیقت به‌عنوان تسهیل و امتنان بر بندگان است که خداوند با آن عظمتش برخی از روشهای عقلا را امضا کرده است و آن را جزئی از احکام خود قرار داده است. علاوه بر این وقتی عقلا بما هم عقلا در موردی نظری داشته باشند شارع نیز به‌عنوان رئیس العقلاء قطعاً با آن هماهنگ خواهد بود. زیرا برگشت بنای عقلاء به همان عقل است که خود یکی از منابع استنباط احکام شرعی می‌باشد (غروی اصفهانی، بی‌تا: ۲۱/۲).

از این گذشته الفاظ و عناوین قرآن و روایات نیز معمول بر فهم عرف است و نه دقت عقلی و فلسفی. لذا در برداشت از روایات و آیات قطعاً باید عرف زمان صدور را بشناسیم. حاصل اینکه عرف بیشترین نقش را در احکام شرعی دارد هم در ناحیه ملاکات و مصالح و مفاصد جعل احکام شرعی و تشخیص موضوع و هم در مقام اجتهاد و استنباط از منابع شرعی (در فهم نصوص) و در قواعد فقهیه و اصولیه و مانند آن (دهقان، ۱۳۹۰: ۲۱۰).

گرچه جایگاه ویژه عرف در شرع غیر قابل انکار است، لکن این موجب نمی‌شود هر عرفی مورد امضای شارع بوده و ارزشمند باشد؛ به همین دلیل فقها برای حجت و اعتبار عرف شرایطی را هرچند به‌طور پراکنده ذکر کرده‌اند: اولاً عرف و بنای عقلا نباید از عواطف و احساسات زود گذر سرچشمه گرفته باشند (هاشمی، ۱۴۱۷: ۲۴۶/۴). چنانچه قرآن کریم در مقام بیان حکم قطعید برای سارق تأکید می‌کند که تحت تأثیر عواطف قرار نگیرد- (مائده/۳۸). مرحوم محقق اصفهانی پس از بیان اعتبار بنای عقلا و این که باید بر مبنای مصالح عامه باشد می

کردند که این شخص که این سؤال را از امام کردند اهل فلان شهر و یا فلان منطقه بوده و در آنجا مردم تابع فتوای فلان فقیه از فقهای عامه بوده‌اند و چون آن شخص در آن محیط بوده و آن فتوا در آن محیط شایع بوده پس ذهن وی مسبوق به چنان سابقه‌ای بوده، پس مقصود وی از سؤال این بوده که سؤال کرده و جواب شنیده است. وقتی که معظم له این جهات را تشریح می‌کرد معنی و مفهوم سؤال و جواب عوض می‌شد و شکل دیگری به خود می‌گرفت.

علاوه بر تأثیر زمان صدور آیات و روایات و شرایط مربوط، در فهم فقیه و استنباط صحیح از منابع توسط دین شناس، زمان تطبیق و استنباط (زمان فعلی) نیز سهم بسزایی در نحوه استنباط فقیه از منابع دارد. حاصل آنکه یکی از معیارهای تأثیر گذاری زمان و مکان بر احکام اسلامی تأثیر بر احکام ظاهری است که از کانال اجتهاد انجام می‌پذیرد. اجتهاد در اصطلاح به معنای تلاش فقها جهت استنباط احکام شرعی می‌باشد. در یک نگاه کلی به تعاریف ارائه گردیده توسط فقها در خصوص اجتهاد، می‌توان به این نتیجه رسید که اجتهاد فقهی و اصولی یعنی استدلال به اصول قطعی‌ای که حجت آنها از طرف شارع مقدس امضا شده است تا احکام متناسب با رویدادهای زندگی بشر تحصیل گردد (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۴۷). بنابراین مطابق این تعریف، یکی از ارکان و اهداف اجتهاد تطبیق احکام با نیازها و تحولات زمان می‌باشد. استنباط مجتهد از منابع شرعی و یافتن احکام شرعی نیز تحت تأثیر شرایط زمان می‌باشد. استاد مطهری می‌نویسد: «فقیه و مجتهد کارش استنباط و استخراج احکام است، اما اطلاع او و احاطه او به موضوعات و به اصطلاح طرز جهان بینی‌اش در فتوایش زیاد تأثیر می‌گذارد و فقیه باید احاطه کامل بر موضوعاتی که بر آن فتوا صادر می‌کند داشته باشد.» (مطهری، ۱۳۹۵: ۱۰۰) همچنین بو علی سینا معتقد است، حوایجی که برای زندگی بشر پیش می‌آید، بی‌نهایت است. اصول اسلام ثابت است و لایتغیر و نه تنها از نظر اسلام تغییرپذیر نیست، بلکه اینها حقایقی می‌باشد که در همه زمان‌ها باید جز اصول زندگی بشر قرار گیرد و حکم یک برنامه واقعی را دارد، اما فروع الی ما نهایه است. او معتقد است که به همین

اهمیت‌تر صرف نظر کنند، یعنی استفاده از قاعده اهم و مهم که یکی از احکام ثانویه شریعت است همان‌گونه که رسول خدا فرمودند که: «اذا اجتمعت حرمتان طرح الصغری للكبری» (مطهری، ۱۳۹۵: ۸۴).

توجه به این نکته حائز اهمیت است که در احکام ثانوی دو ملاک و دو دلیل شرعی باهم اصطکاک دارد، در حالی که احکام حکومتی در موارد تشخیص مصلحت است که یک طرف دلیل شرعی وجود دارد و طرف دیگر حاکم است.

### ۳-۵- زمان و تأثیر بر فتاوا و اجتهاد

زمان و مکان تأثیر بسزایی در شناخت و معرفت انسان دارند و این تأثیر دو سویه و دو جانبه است. از یک طرف مطالعه زمان و مکان صدور آیات و روایت و از جانب دیگر زمان و مکان فعلی.

آشنایی با زمان و مکان صدور روایات تأثیر به‌سزایی در فهم صحیح از آن دارد، زیرا اولاً به حل تعارض اخبار و اختلاف روش معصومین کمک می‌کند، زیرا آن بزرگواران در شرایط مختلف، حسب مخاطبین گوناگون مطالبی را عنوان می‌کردند و یا روش خاصی را اتخاذ می‌فرمودند و ثانیاً به فقیه و کارشناس اسلامی امکان می‌دهد در شرایط مختلف چه روشی را اتخاذ کند و ثالثاً در استنباط و فهم صحیح از مقصود ائمه در به کار گیری برخی واژه‌ها و یا صدور برخی دستورات و احکام کمک می‌کند. علاوه بر این فقیه باید از تاریخ فتاوی اهل سنت نیز آگاهی داشته باشد، زیرا اکثر روایت ناظر به فتاوی جاری اهل سنت است و در نقد آن صادر شده است و چه بسا از باب تقیه بر خلاف نظر واقعی خودشان باشد و در مورد تقیه هم باید فتوای اهل سنت را دانست که کدام فتوا از طرف حکومت حمایت می‌شده است، چون هر روایتی که مطابق فتوای هر کس از اهل سنت باشد نمی‌توان آن را حمل بر تقیه نمود. شهید مطهری در این باره بیان می‌دارد: گاه اتفاق می‌افتاد حدیثی طرح می‌شد و ابتدا یک معنی و مفهوم از آن به نظر می‌رسید ولی بعداً معظم له (آیت الله بروجردی) تشریح می

۱- زیرا مجتهد با یک ذهن خالی به استقبال و جستجوی احکام نمی‌رود و قطعاً علوم زمانه و اطلاعات قبلی او در استخراج حکم توسط وی تأثیرگذار است.

**تعارض منافع:** نویسندگان هیچگونه تعارض منافی در ارتباط با مقاله ندارند.

**سهام نویسندگان:** نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از کلیه کسانی که در معرفی منابع ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

#### منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- المجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی‌تا). *بحارالانوار لدرر اخبار ائمه الاطهار*. جلد اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- پدram، عبدالرحیم و جلالیوند، عباس (۱۳۹۲). *روش‌شناسی آینده‌پژوهی*. تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

- پیر مرادیان، سیدمحمدرضا؛ باقری، احمد و رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۴۰۰). «بررسی فقهی حقوقی آینده‌پژوهی تعهد پزشکی در نفی تعزیر جاهل». *مبانی فقهی حقوق اسلامی*، ۲۸: ۱۱۰-۱۲۶.

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. جلد سوم، تهران: گنج دانش.

- حرعاملی، محمد بن حسن (بی‌تا). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد بیست و هشتم، قم: آل البیت.

- حسینی، سید محمد (۱۳۸۳). *سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و سمت.

دلیل اجتهاد ضرورت می‌یابد؛ یعنی در هر عصر و زمانی باید افراد متخصص و کارشناس واقعی باشند که اصول اسلامی را با مسائل متغیری که در زمان پیش می‌آید تطبیق دهند (مطهری، ۱۳۸۷: ۱/۱۴۰).

#### نتیجه‌گیری

آینده‌پژوهی دانشی ارزش‌بنیان است لذا پیوند آن با ایدئولوژی، فرهنگ و باورهای ملت‌ها غیر قابل گسست است. از سوی دیگر دین و فقه اسلامی بخش زیادی از هویت خود را از گذشته می‌گیرند. این نگاه به گذشته در برخی مواقع موجب گذشته‌گرایی و دوری از زمان حال و آینده می‌شود. در چنین حالتی آورده‌های دین به‌ویژه در عرصه کیفری در مقابل تحولات آینده کارآمدی خود را از دست می‌دهند. اینکه حقوق کیفری آینده مبتنی بر موازین اسلامی از چه ظرفیت‌هایی برخوردار است بسته به نگرش و خوانشی که از دین اسلام و فقه می‌شود ابعاد متفاوتی به خود می‌گیرد. خوانش‌های ارائه شده از دین و فقهت به یک اندازه آماده مواجه با تغییرات سریع آینده نیستند لذا برای حقوق کیفری آینده مبتنی بر موازین اسلامی بایستی به‌دنبال انتخاب خوانش‌های دینی و فقهی مناسبی باشیم که در عین التزام به شریعت کارآمدی لازم در مواجهه با تحولات آینده را دارا باشد. براین اساس در پژوهش حاضر با مطالعه نگرش حداقلی و حداکثری به دین و خوانش‌های لفظ‌گرایانه و مقاصدگرایانه مشخص شد که نگرش حداکثری به دین با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منطبق است و این نگرش در صورت توجه به مقاصد شریعت و مقتضیات زمان و مکان به خوبی می‌تواند پاسخگوی تحولات آینده به‌ویژه در عرصه حقوق کیفری باشد و در این اثرگذاری نقش عرف، حکم حکومتی، اجتهاد و تغییرات ایجاد شده در موضوعات و مصادیق به تبع تحولات آینده به‌صورت مشخص به ایفای نقش می‌پردازد و لذا این خوانش فقهی از دین اسلام از کارآمدی لازم برای حقوق کیفری آینده مبتنی بر موازین اسلامی برخوردار است..

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش مقاله حاضر، اصل صداقت و امانتداری رعایت شده است.

- خمینی، روح‌الله (بی‌تا). صحیفه نور (سخنرانی‌ها، احکام، بیانیه‌ها، نامه‌ها). جلد بیست و یکم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دهقان، حمید (۱۳۷۶). تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزائی اسلام. قم: مؤسسه انتشارات مدین.
- دهقان، حمید (۱۳۹۰). جایگاه مصلحت در قانون‌گذاری کیفری ایران. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- رضایی، حسن (۱۳۸۲). نقش مقتضیات زمان و مکان در نظام کیفری اسلام با تأکید بر نظریه زمان و مکان حضرت امام خمینی. تهران: چاپ و نشر عروج.
- زالی، نادر (۱۳۹۲). آینده‌نگاری راهبردی در برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). بسط تجربه نبوی. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- سعیدپور، عادل (۱۳۷۸). «مسدود بودن باب اجتهاد». ماهنامه کیهان، ۴۹.
- شفیع‌ی سروستانی، ابراهیم (۱۳۷۶). قانون دیات و مقتضیات زمان. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- صافی، لطف‌الله (بی‌تا). التعزیر: احکامه و حدوده. قم: دفتر آیت‌الله صافی.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۸۸). بررسی‌های اسلامی. به کوشش هادی خسروشاهی، جلد اول، قم: بوستان کتاب.
- عاملی، محمدبن مکی، المعروف بالشهید الاول (بی‌تا). الفوائد و القوائد. جلد اول، قم: مکتبه المفید.
- عباسی، ولی‌الله (۱۳۸۳). «نظریه دین حداکثری: درآمدی بر قلمرو گسترده دین از منظر استاد مطهری». مجله قیاسات، ۳۱: ۱۳۳-۱۶۲.
- عبدالباقی، محمد الفؤاد (۱۳۶۴). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن. قاهره: دارالکتب المصریه.
- عیوضی، محمدرحیم و پدرام، عبدالرحیم (۱۳۹۳). «امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهی اسلامی». مشرق موعود، ۲۹: ۷۹-۱۱۲.
- غروی اصفهانی، محمدحسین (بی‌تا). نهایه الدرایه فی شرح الکفایه. جلد دوم، قم: مکتبه الطباطبایی.
- کرمی، رضا علی و کشاورزی، محمد (۱۳۹۳). «ضرورت آینده‌پژوهی در فقه اسلامی». فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۴: ۷۱-۸۴.
- گرجی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۶). مقالات حقوقی. جلد دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۴). تقدی بر قرائت رسمی از دین: بحران‌ها، چالش‌ها و راه‌حل‌ها. تهران: طرح نو.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۶۲). تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه اسلام. قم: اندیشه‌های نو در علوم اسلامی.
- محقق نائینی، محمدحسین (بی‌تا). فوائد الاصول. جلد دوم، قم: جماعه المدرسیه فی حوزه العلمیه مؤسسه النشر الاسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). اسلام و نیازهای زمان. جلد اول و دوم، چاپ بیستم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). ختم نبوت. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). ده گفتار. تهران: انتشارات صدرا.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۲). جوان مسلمان و دنیای متجدد. ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو.
- واسعی، سیدمحمد (۱۳۸۷). جایگاه عرف در فقه. تهران: کانون اندیشه جوان.

- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۶۳). *تفسیر راهنما*. جلد اول، قم: بوستان کتاب.

- هاشمی، سید محمود (۱۴۱۷). *بحوث فی علم الاصول*. جلد چهارم، قم: المجمع العلمی لشهید الصدر.

- هندی، علا الدین علی (بی‌تا). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. حیدرآباد: المعارف العثمانیه.